

# تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، زمینه دستیابی به رشد پایدار را فراهم می‌کند

اشاره:

فصل چهارم از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مبحث تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته است. این مقوله در سال‌های اخیر به اشکال مختلف در محافل اقتصادی ایران مطرح شده و همواره انحصارات مورد انتقاد قرار گرفته است. اما این موضوع که انحصار چگونه بوجود می‌آید و به چه دلیل برای اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی مضر است و زیانبار تلقی می‌شود، کمتر مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی موضوع انحصارات و خسارات ناشی از آن و نیز انحصارهای مثبت می‌پردازیم.

انحصار به معنای در اختیار گرفتن حقوق قانونی یک فعالیت اقتصادی یا یک فناوری جدید می‌باشد. اختصاص این حقوق قانونی به یک شخص حقیقی یا حقوقی سبب می‌شود که دیگر اشخاص از دسترسی یافتن به آن محروم شوند، اما ممکن است نوعی فعالیت اقتصادی در اختیار فرد یا گروه یا دولت قرار گیرد و دیگران اجازه فعالیت در آن رشته را نداشته باشند، اما جامعه به نوعی از منافع آن

فعالیت بهره‌مند گردد. برای مثال فعالیت در حوزه اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز ایران در اختیار دولت است، اما مردم از طریق پرداخت‌های دولت در قالب بودجه عمومی (به صورت هزینه‌های جاری و اعتباری و طرح‌های عمرانی) از منافع حاصل از تولید و فروش نفت و گاز در بازارهای داخلی و خارجی بهره‌مند می‌گردند.

این گونه انحصار به معنای تضعیف حقوق دیگران نیست و منافع اقتصاد ملی را تهدید نمی‌کند، اگرچه خود نیز می‌تواند مانع از فعالیت دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در این بخش گردد. اما در کشورهای پیشرفته شاهد هستیم که حتی انحصار دولت در اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی از جمله منابع نفت و گاز به شرکت‌های خصوصی در قبال دریافت حقوق قانونی دولت (اجازه امتیاز بهره‌برداری) واگذار می‌شود و این شرکت‌ها متناسب با درآمد

حاصل از تولید، فرآوری و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی و گازی، مالیات‌های درخور توجهی نیز به دولت‌هایشان پرداخت می‌کنند.

با پیشرفت علوم و فناوری و توسعه شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی در کشورهای پیشرفته صنعتی، این امکان فراهم شده است که دولت در کشورهای یاد شده،

اداره بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کرده و خود به انجام

فعالیت‌های حاکمیتی، هدایت و نظارت امور اقتصادی روی آورد. به عبارتی حاصل توسعه نظام سرمایه‌داری و پیشرفت علوم و فناوری در جوامع غربی، انحصارزدایی در فعالیت‌های اقتصادی بوده است و در این گونه جوامع دولت در اموری که بخش خصوصی انگیزه سرمایه‌گذاری در آنها را ندارند، وارد می‌شود و چه بسا پس از راه‌اندازی اینگونه امور، اداره آن را به بخش خصوصی واگذار می‌نمایند. در این جوامع به طور کلی حوزه فعالیت دولت در امور اقتصادی فقط در بخش سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت تعریف می‌شود و کارها با مشارکت مردم (افراد حقیقی و حقوقی) اداره و انجام می‌شود.

از آنجا که انحصار سبب دستیابی افراد حقیقی و حقوقی خاص به امتیاز فعالیت می‌شود و دیگران از آن منع می‌شوند، بازار از رقابت آزاد خارج می‌گردد و عرضه و تقاضا نقش کلیدی خود را در تعیین قیمت عوامل تولید (نیروی کار، زمین، سرمایه، فناوری و مدیریت) از دست می‌دهد. در این شرایط ممکن است تولیدکننده

هر حقوق انحصاری به معنای تضعیف حقوق دیگران نیست و منافع ملی را تهدید نمی‌کند، اگرچه می‌تواند مانع از فعالیت دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی گردد.

انحصارگر از نبود رقیب در فعالیت اقتصادی انحصاری سوء استفاده نماید و نظرات خود را به دیگران (به ویژه مصرف‌کنندگان) خدمت یا محصولی که انحصاری عرضه می‌شود) تحمیل نماید.

این امر نه تنها منافع مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند، بلکه چه بسا موجبات تخصیص بهینه منابع برای تولید و عرضه کالا یا خدمت انحصاری را از بین ببرد و خسارات اقتصادی به دنبال داشته باشد.

به همین جهت انحصارات همواره مورد تفسیح اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری قرار گرفته است. نظام سرمایه‌داری برای توسعه همه‌جانبه خود و دستیابی به کارایی بیشتر (در تخصیص منابع)، وجود رقابت در

بازار و لغو انحصارات را تشویق و ترغیب می‌کند.

با این وجود نمی‌توان گفت که انحصار در نظام سرمایه‌داری جایگاهی ندارد و هرگز بوجود نمی‌آید، زیرا انحصار می‌تواند با پیشرفت علوم و فناوری شرایطی را برای عرضه‌کنندگان خدمات و کالاهای دارای فناوری بالا حتی در

کوتاه یا میان‌مدت فراهم کند. قانون حمایت از حقوق معنوی که مورد تأیید بسیاری از کشورهای

توسعه‌یافته می‌باشد و برای جلوگیری از مشابه‌سازی کالاها و خدمات توصیه می‌شود، خود ترویج‌کننده انحصار برای افراد یا شرکت‌هایی است که به فناوری خاصی دست یافته‌اند و حقوق انحصاری بهره‌گیری از آن را دست‌کم برای مدت مشخصی از آن خود می‌سازند. در این شرایط اشخاص حقیقی و حقوقی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری برای دستیابی به یک فناوری خاص می‌بایست بهای آن را به دارنده انحصاری (به صورت حق لایانس بهره‌برداری) بدهند. در مقررات پذیرفته شده در سازمان جهانی تجارت نیز حقوق آثار معنوی تأیید شده و مشابه‌سازان (کپی‌کنندگان) فناوری‌های در انحصار دیگران، به اعمال مجازات‌های اقتصادی تهدید

شده‌اند. بنابراین در جوامع غربی نیز هنوز حقوق انحصاری وجود دارد و مورد احترام است.

اما در کشورهای در حال توسعه، به لحاظ ضعف بنیه شرکت‌های خصوصی برای سرمایه‌گذاری، ورود دولت به عرصه فعالیت‌های اقتصادی رواج یافته و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی به طور مستقیم یا غیرمستقیم زیر نظر دولت اداره می‌شوند. در جوامع در حال توسعه همانند ایران که از امتیاز خاص (منابع نفت) برخوردارند، حیطه فعالیت دولت به لحاظ بهره‌مندی از درآمدهای ارزی (بخش اعظم درآمد ارزی کشور) روز به روز توسعه یافته و عرصه فعالیت و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی تنگ شده است. در اینگونه جوامع سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اغلب در راستای تعیین مسیرهای توزیع درآمد ارزی (نفت) صورت می‌گیرد و توجه برنامه‌ریزان به مزیت‌های نسبی اقتصاد ملی کمتر می‌شود.

سهام عظیم دولت در سرمایه‌گذاری و اداره فعالیت‌های اقتصادی به لحاظ برخورداری از منابع مالی سرشار، سبب می‌شود که بخش خصوصی رقیبی بزرگ را در مقابل خود داشته باشد و از ورود به عرصه‌های مختلف فعالیت اقتصادی اجتناب ورزد. این امر در شرایطی که قوانین و مقررات جاری امتیازهای

خاص در دسترسی به منافع مالی (بودجه دولت و منابع بانک‌ها) برای رقیب بزرگ را تسهیل کند، فضای رقابت را تنگ‌تر خواهد ساخت و چه بسا علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در برخی فعالیت‌ها به لحاظ فقدان برخوردار از امتیازات خاص توان رقابت در آن عرصه را نداشته باشند. لذا صحنه رقابت را به رقیب واگذار خواهند کرد. همانگونه که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع در اقتصاد ایران رخ داده است و منابع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به فعالیت‌های سوداگرانه سوق یافته و از ورود به عرصه‌های مولد بازمانده است.

نفت، سه‌چهارم درآمدهای ارزی ایران و بیش از نیمی از درآمدهای دولت را تأمین می‌کند. به لحاظ شرایط انحصاری دولت در اکتشاف بهره‌برداری و فروش منابع نفتی در بازارهای داخلی و خارجی، دولت از درآمدهای ارزی سرشاری برخوردار گردیده و حوزه فعالیت خود را در امور اقتصادی به طور مستقیم و غیرمستقیم گسترش داده است. در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی که پیش از آن تحت تصدی دولت گذشته یا وابستگان رژیم شاه قرار داشت، به دولت و شرکت‌های عمومی غیردولتی واگذار شد.

در این دوران که به نوعی به دولت برمی‌گشت، شرکت‌های دولتی

یا نهادهای عمومی غیردولتی با در اختیار داشتن سهم بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی و در نبود سرمایه‌گذاران خصوصی، اداره امور را به تصدی خود درآوردند. اما نبود انگیزه کافی نزد مدیران دولتی، کمبود منابع سرمایه‌گذاری، عقب‌ماندگی فناوری و ... سبب شده که این شرکت‌ها کارایی لازم برای اداره فعالیت‌های اقتصادی را نشان ندهند و بنا به آمارهای رسمی، درآمدهای حاصل از انحصارات دولت در سال‌های مختلف نشان می‌دهد که سهم این گروه از درآمدها در کل درآمدهای عمومی از حدود ۱۳ درصد در سال ۱۳۴۲ به کمتر از یک درصد در سال‌های اخیر رسید. در حالی که این انحصارات بخش قابل توجهی از درآمد نفتی کشور را در فعالیت‌های تحت تصدی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، با این وجود سود شرکت‌های دولتی رقمی معادل ۳ درصد درآمد شرکت‌ها بوده که در قیاس با منایمی که آنها در اختیار داشته‌اند، بسیار نازل بوده است. آمارهای متشهره از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نشان می‌دهد که ۵۰ شرکت بزرگ دولتی که فعالیت انحصاری داشته‌اند، در سال‌های ۷۸-۱۳۷۵، متقاضی دریافت ۷۴۰۰۰ میلیارد ریال از منابع نظام بانکی کشور بوده‌اند.

آنچه در ایران در خصوص زبان‌های انحصار مطرح می‌شود،

بیشتر به همین موضوع اشاره دارد که کارکرد شرکت‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی به نسبت منابعی که در اختیار داشته یا جذب کرده‌اند، ضعیف و غیراقتصادی بوده است. به طور کلی وجود فعالیت‌های انحصاری زیان‌هایی از جمله کارایی نازل در بهره‌برداری از منابع اقتصادی، وابستگی به منابع دولتی و اعتبارات بانکی، اختلال در نظام اقتصادی، جلوگیری از ورود کارآفرینان به فعالیت‌های اقتصادی و

تقاضا در بازار آزاد است، به فعالیت خود ادامه دهند. در این شرایط همواره انگیزه برای رشد کارایی شرکت‌ها و بهبود توان رقابت آنها وجود دارد. اما اگر یکی از آنها از امتیازی خاص (رانت) برخوردار گردد، دیگری محکوم به فنا است و می‌بایست میدان رقابت را ترک کند. چنانچه یکی از آنها از ارزش رایانه‌ای و دیگری از ارزش آزاد برای تهیه مواد اولیه استفاده نماید، به طور مسلم توان رقابت تولیدکننده بهره‌مند

دیگر برای جبران زیان‌های وارده ناشی از رانت‌های موجود، هرگز توان لازم را پیدا نکنند و میدان فعالیت را ترک نمایند. در حالی که چه بسا با شرایط برابر، تولیدکننده دوم به لحاظ توان مدیریتی و کارایی بیشتر واحد تولیدی خود، توان رقابت و از میدان راندن تولیدکننده فاقد کارایی را داشته باشد و به سهولت بتواند منابع و عوامل تولید را به صورت بهینه جذب و سرمایه‌گذاری نماید.

به عقیده کارشناسان، بزرگترین

خسارت ناشی از

انحصار، تخصیص

نابهینه منابع تولید

است. با توجه به

محدودیت منابع

تولید، مزیت نسبی

عامل تعیین‌کننده در

طرح‌های سرمایه

گذاری است. در

شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی در سال‌های اخیر سهم قابل توجهی از منابع بانک‌ها و بودجه دولت را جذب کرده‌اند، اما عملکرد ضعیفی داشته‌اند که از حمایت‌های دولت و عملکرد انحصاری ناشی شده است.

نوآوری، کاهش

توان دولت برای

انجام اصلاحات

ساختاری به لحاظ

حیطه وسیع

تصدی در امور

اقتصادی و ... را

به دنبال دارد.

در همین حال

اعطای اختیارات ویژه برای تداوم فعالیت شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی همانند تخصیص ارزش افزوده یا اعتبارات تکلیفی (با سود نازل برای فعالیت‌های خاص)، رانت‌هایی را در اقتصاد ملی ایجاد می‌کند که فعالیت رقابتی را غیرممکن می‌سازد. برای مثال در تولیدکنندگان یک کالای خاص در شرایط رقابتی می‌بایست تمام توان مدیریتی خود را برای کاهش هزینه تمام شده بکار گیرند تا بتوانند با قیمت‌های حاکم بر بازار که ماحصل تلافی عرضه و

از ارزش یارانه‌ای به نسبت نرخ ارزهای یاد شده، از قدرت رقابت انحصاری برخوردار می‌گردد. یعنی توانی که بر اثر رشد کارایی شرکت حاصل نشده و فقط بر اثر اعطای امتیاز برخوردار از ارزش یارانه‌ای تحصیل شده است. نرخ‌های متفاوت سود اعتبارات بانکی نیز می‌تواند همین تأثیر را بجا بگذارد. وجود رانت‌ها سبب می‌شود که تولیدکنندگان فاقد قدرت مدیریت و کارایی لازم، به طور غیرعادی مورد حمایت قرار گیرند و ممکن است تولیدکنندگان

بازار رقابتی، عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کنند. چنانچه عرضه برخی کالاها یا خدمات به لحاظ محدودیت ظرفیت تولید، نقصان یابد و تقاضا ثابت باشد یا فزونی یابد، قیمت‌ها افزایش می‌یابند. افزایش قیمت کالا یا خدمت، حاشیه سود تولیدکننده و عرضه‌کننده آن را افزایش می‌دهد و لذا وجود سود سرشار سبب می‌شود که سرمایه‌گذاران جدید وارد این عرصه شوند. در نهایت عرضه افزایش یافته و با تقاضا متوازن می‌گردد و قیمت‌ها در سطح متعادل

تعیین می‌شوند. فزونی عرضه نسبت به تقاضا نیز سبب کاهش قیمت، کاهش حاشیه سود و خروج برخی تولید کنندگان ناموفق در رشد کارایی از بازار خواهد شد. با این روند، تعادل در بازار برقرار و تثبیت می‌شود و انگیزه برای حفظ بقای تولیدکنندگان در بازار سبب می‌شود که مدیران نسبت به مقوله رشد کارایی، کاهش قیمت تمام شده، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای تقلیل قیمت تمام شده، نوآوری خلاقیت حساس گردند و همین امر پویایی رشد و تکامل بخش خصوصی و بهبود نظام مدیریتی در بنگاه‌های اقتصادی را به دنبال دارد و در نهایت تخصیص منابع در جامعه شکل مناسب‌تری خواهد یافت.

باید اشاره داشت که سیاست‌های حمایتی بازرگانی، خطر بزرگی برای تقویت توان رقابت شرکت‌ها و حیات و بقای شرکت‌های انحصارگر فاقد کارایی است و موجبات اتلاف منابع کشور را فراهم می‌کند. پاره‌ای قوانین و مقررات خود مانع بزرگی برای رشد رقابت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است. محدودیت تجارت (صادرات و واردات) به صورت ممنوعیت یا سهمیه‌بندی (تعیین سقف) سبب می‌شود که نظام بازار بر هم بریزد. در شرایطی که بازار با کمبود عرضه کالاهای خاصی روبه‌رو می‌باشد، ممنوعیت یا محدودیت

ورود آن کالا از خارج سبب می‌شود که از یک سو قیمت‌های بالاتر به مصرف‌کننده تحمیل گردد و از سوی دیگر تولیدکننده انگیزه قوی برای افزایش کارایی، ارتقای بهره‌وری (با استفاده از فناوری‌های نو) و بهبود کیفیت تولیدات خود ندارد. این امر در طولانی مدت سبب عقب‌افتادگی تولیدکننده از نظر فناوری و رقابت در عرصه‌های داخلی و خارجی خواهد شد و بی‌توجهی نسبت به اتلاف منابع را دامن خواهد زد. در مورد صادرات نیز همین امر صادق است. چنانچه تولیدکننده به هر دلیلی (فزونی تقاضا در بازار داخلی برای محصول تولیدی وی) از حضور در بازارهای بین‌المللی منع شود یا با محدودیت صادرات روبه‌رو شود، انگیزه برای رشد کارایی و ارتقای کیفیت با بهره‌گیری از فناوری روز را از دست می‌دهد و در نهایت توان رقابت وی تقلیل می‌یابد. از این رو بحث انحصار که در پاره‌ای از قوانین و مقررات به شکل سیاست‌های حمایتی بروز می‌کند، خود توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی را تحلیل می‌برد.

کارشناسان عقیده دارند که برای تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، آزادسازی قیمت‌ها، مقررات‌زدایی و انحصارزدایی، گسترش

خصوصی‌سازی، آزادسازی تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ضروری است.

آزادسازی قیمت‌ها سبب می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی مجبور به رشد کارایی، کاهش قیمت تمام شده، ارتقای کیفیت با استفاده از فناوری روز و ... شوند و برای تداوم حضور خود در بازار تقویت مدیریت و بهره‌گیری از مدیران خلاق و نوآور را در نظر قرار دهند. به عبارتی مالکیت و مدیریت در بنگاه‌های اقتصادی از یکدیگر جدا می‌شوند و موجبات رشد بنگاه‌های اقتصادی را با مدیریت کارآمد، فراهم می‌سازند. در حالی که در نبود نظام آزاد قیمت در بازار، همواره حاشیه سودی برای تولیدکننده وجود دارد که آنها را از انگیزه رشد کارایی دور می‌سازد و مصرف‌کنندگان را مجبور به تقبل هزینه بیشتر می‌نماید.

مقررات‌زدایی و انحصارزدایی سبب خواهد شد که فضای رقابت برای تمام علاقه‌مندان ورود به عرصه سرمایه‌گذاری باز شود و ارزیابی اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار گیرد. منابع به سوی طرح‌های دارای بازده بیشتر سوق پیدا کند و در نهایت تخصیص بهینه منابع در جامعه صورت گیرد. این امر از سوی دیگر سبب بهبود بنیه رقابت فعالان اقتصادی در عرصه‌های داخلی

و خارجی می‌شود و موجبات جهش صادرات را که موتور محرک توسعه پویای اقتصادی است، فراهم می‌سازد.

با توسعه خصوصی‌سازی در کشور، از یک سو زمینه مشارکت وسیع مردم در امور اقتصادی فراهم می‌شود و پس‌انداز ملی به سرمایه‌گذاری تبدیل خواهد شد و از سوی دیگر مشغولیات دولت در عرصه تصدی فعالیت‌های اقتصادی کاهش یافته و توان دولت برای برنامه‌ریزی جهت انجام اصلاحات اقتصادی افزایش خواهد یافت. با گسترش خصوصی‌سازی، فعالیت‌های انحصاری شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی بتدریج از بین می‌رود، زیرا که اینگونه شرکت‌ها از مالکیت دولت خارج شده و به مالکیت مردم درمی‌آید و مدیریت‌های آن می‌بایست در فضای رقابتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های خود را انجام دهند که در نهایت به ارتقای کارایی بنگاه‌های واگذار شده خواهد انجامید.

آزادسازی تجارت، همانگونه که پیش از این اشاره شد، زمینه رشد کارآیی شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی - خدماتی را فراهم می‌سازد و آنها را برای رقابت در عرصه‌های بین‌المللی آماده می‌کند. این امر در بلندمدت جهش صادرات غیرنفتی و کاهش

اتکای اقتصاد ملی به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت را به دنبال خواهد داشت که از اهداف اصلی نظام است.

جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی (به صورت مستقیم یا مشارکتی) بر اثر آزادسازی فضای سرمایه‌گذاری خارجی سبب می‌شود که مشکل کمبود منابع سرمایه‌گذاری از بین برود. تولید ملی افزایش یابد، حضور در بازارهای بین‌المللی به لحاظ توان عرضه محصولات با کیفیت مطلوب و قیمت رقابتی، تقویت گردد و جهش صادرات غیرنفتی میسر گردد و در همین حال زمینه ایجاد فرصت‌های اشتغال جدید فراهم شود و دغدغه‌های اقتصادی دولت کاهش پیدا کند. از سوی دیگر دستیابی به فناوری روز در تولید کالاهای دارای مزیت نسبی تسهیل خواهد شد.

به عقیده کارشناسان، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، مزایای درخور توجهی همچون تخصیص بهینه منابع، ارتقای توان مدیریتی، دستیابی به فناوری ارز، رشد اشتغال، افزایش تولید ناخالص داخلی، رشد صادرات، افزایش رفاه عمومی در بلندمدت، رشد سرمایه‌گذاری‌های مولد و صادرات‌گرا، بهبود توزیع درآمدها در جامعه، محرومیت و فقرزدایی، جلوگیری از اتلاف منابع و

... را به دنبال دارد. با این حال کارشناسان لغو یکباره تمام انحصارات را توصیه نمی‌کنند، زیرا که برخی انحصارات همانند انحصار در اکتشاف، بهره‌برداری و تولید و فروش نفت خام به لحاظ نبود زمینه‌های لازم (توسعه شرکت‌های ایرانی به لحاظ فناوری و توان سرمایه‌گذاری) در اقتصاد ملی، حافظ منافع ملی کشور است.

اما در همین صنعت نفت و گاز نیز می‌توان زمینه حضور مشارکتی یا مستقیم شرکت‌های ایرانی در فعالیت‌های پایین‌دستی را فراهم ساخت و بتدریج اینگونه فعالیت‌ها را به بخش غیردولتی واگذار نمود. این امر زمینه تقویت شرکت‌های غیردولتی برای ورود به عرصه‌های جدید را فراهم می‌سازد، مشروط بر آنکه این واگذاری با تبعیض یا اعطای امتیازات خاص (رانت‌های جدید) توأم و تقسیم بازار جدید انحصاری نگردد.

به طور کلی کارشناسان عقیده دارند که تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی زمینه دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار را تقویت می‌کند.

